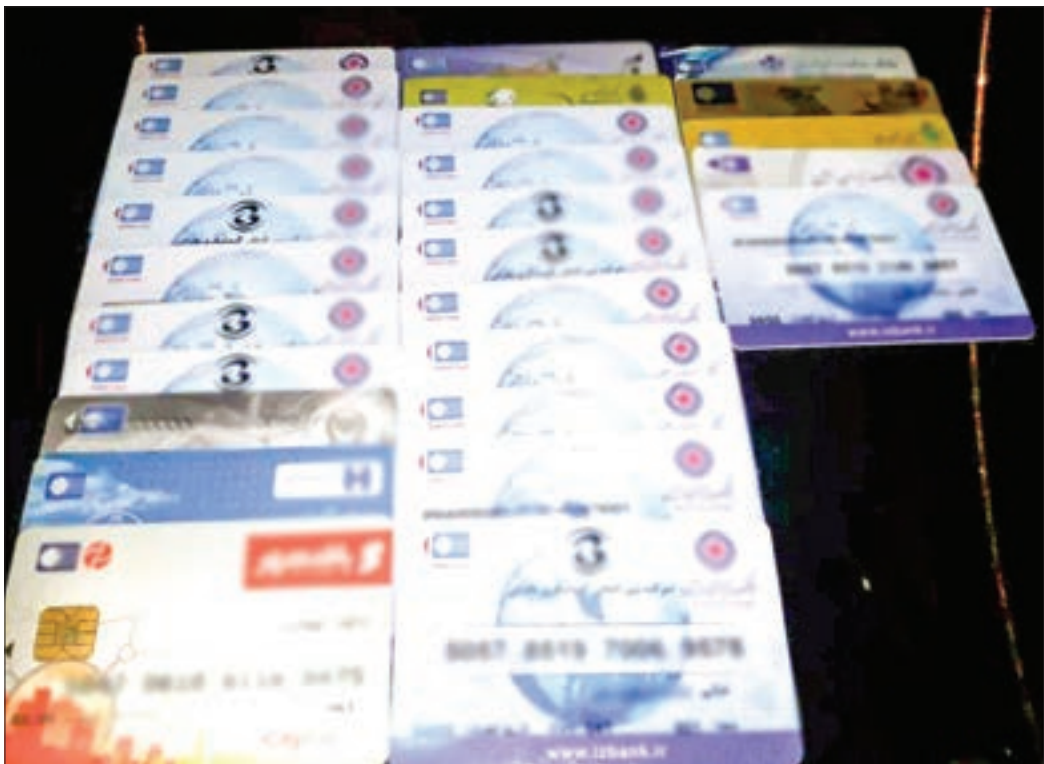


در جست و جوی شاه ماهی

رسیدگی به پرونده پول شویی ده‌ها میلیارد تومانی، پلیس فتای خراسان رضوی را به متهمان خارج‌نشین رساند



اختصاصی

این فرد در مخفیگاهش در مشهد شناسایی و دستگیر شد.

او که خود را بی خبر از غوغای جهان نشان می‌داد، ابتدا برای رنگم‌کنی ادا کرده که هیچ کاری نداشت، اما کشف کارترهای بانکی افراد مختلف و به خصوص دختر جوان از مخفیگاهش، نقشه‌هایش را به هم زد.

او در بازجویی‌های تخصصی اعلام کرد که نقشه در کار بهبرداري‌ها ندارد و تنها در نقشه واسطه بوده است. در چهل و سه ساله در اعتراضات گفت: «بک روز می‌بهد در فضای مجازی چرخ می‌زدم که با مردی ایرانی ساکن خارج از کشور آشنا شدم. بعد از کمی صحبت وقتی فهمید که وضع مالی خوبی ندارم، پیشنهاد سوسه‌بهره‌میزی داد. او گفت که مدیر چندین سایت قرار بازی و شرط‌بندی است و همیشه مشکل نقد کردن وجهی که قانونی به دست می‌آورند را دارند. این مرد خارجی مدعی شد که تمام اقداماتشان قانونی است و پیشنهاد برای افراد می‌تواند تمام ترانزاکشن‌ها را با حساب‌های خودشان

دختر جوان در پاسخ به سوالات کارشناسان تمام ماجرا را تعریف کرد. از مراجعه نماینده خبریه به معروف تا معرفی ۲۵ نفر به این فرد که مدعی شده بود می خواهد طرح مجازاتی اشتغال زایی را بیندازد.

با اطلاعات از کارشناسان پلیس فتا توانستند ۲۵ قربانی دیگر این پرونده را نیز شناسایی کنند. ادامه بررسی ها حاکی از آن بود که متهمان اصلی با راه اندازی سایت های قماربازی و شرط بندی، برای دستکاری در حساب های این شهروندان بی اطلاع سوءاستفاده می کرده اند و تاکنون ده ها میلیارد تومان از طریق این حساب ها پول شویی شده است.

دختر نوزده ساله با ارائه اطلاعاتی که از متهم پرونده داشت، این فرد را به مأموران معرفی کرد. اطلاعاتی که منجر به اجرای طرحی ضربتی برای دستگیری متهم شد.

در جستجوی شامهای

با سرنوشتی ارائه شده از سوی دختر جوان، مأموران موفق به شناسایی متهم اصلی پرونده که مردی چهل و سه ساله بود شدند.

معرفی کرده بود،
 با گذشت حدود ۲ هفته فصل برداشت
 از این طرح می‌پاشد و هر کدام از افرادی که
 کارت‌هایشان را از اختیار موسسه قرار
 داده بودند، مبالغ مختلفی را دریافت کردند
 و همه راضی از این طرح خوداشتغالی،
 درصدد بودند تا افراد بیشتری را به این فرد
 معرفی کنند.

● **پاییز زود هنگام طرح**

همه چیز به خوبی پیش می‌رفت که یک روز
 پاییزه خرد که تماشای دختر جوان اعلا
 کرد که حساب‌هایش به دایلی نامعلوم
 مسدود شده و امکان استفاده از این کارت‌ها
 دیگر وجود ندارد، بنابراین نمی‌تواند
 تراحتی به او داشته باشد.

دختر جوان با مرآه به بانک متوجه شد
 که جلوی عابثان یا بانکی‌اش با دستور
 قضایی گرفته شده، او با مرآه به دادسرای
 ناحیه هفت مشهد، برای پیگیری شکایتش
 به پلیس فتای خراسان رضوی معرفی شد.

دختر جوان با مصیبت از اقدامی که به
 نظرش اشتباهی رخ داده بود، به پلیس
 فتا مرآه کرد و با رخ‌پاش به کارشناسان
 پلیس، درخواست مناسب از سوی
 دادستان،

محمد جواد ابوعطا
m.aboutata@shahraranews.ir

تنها آن قلمتی که به ذهن این افراد رسید، موضوع درآمد‌های حاصل از این کار اینترنتی بود. این فرد در توضیح مدعی شد که هر فرد کار در اینترنت در اختیار آن‌ها بگذارد، سود بیشتری می‌برد. او وقتی از دستمزد ۷۵۰۰ دلار یک میلیون توانایی در هر هفته گفت، مخاطبانش اسیر سوسه شدند و با مراجعه به آشنایانشان در شرکت محدود تنها در چند دقیقه، ۲۵ نفر برای شرکت در این طرح اشتغال‌زایی اعلام آمادگی کردند. با هدایت مردم به ظاهر خیر، این افراد با مراجعه به بانک‌های مختلف هر کدام حدود ۲۰ حساب باز کردند و کارت‌های بانکی را در اختیار این فرد قرار دادند. به توصیه خود چهل‌ساله ایشان هیچ کدام از آن‌ها پیامک بانکی خود را افعال نکردند و رمز دوم هم تهیه نکردند.

● آغاز برداشت در طرح اشتغال‌زایی

یکی از افرادی که در واقع نقش واسطه میان معرفی شدگان و نماینده خیریه را داشت، دختری نوزده ساله از اهالی محله پنج‌تن بود که ۲۵ نفر دیگر را به این نماینده خیریه

دستبرد ۸۰۰ میلیون تومانی به مراکز بازی

اعلام چند فقره سرقت از مراکز بازی‌های رایانه‌ای سطح مشهد به
فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، کارآگاهان پایگاه چهارم پلیس آگاهی
غرب مشهد را بر آن داشت تا برای شناسایی و دستگیری متهم یا
متهمان، آب‌پرونده وارد عمل شوند.

با توجه به اهمیت موضوع و همچنین وقوع چند فقره سرقت مشابه در شهرستان نیشابور، کارآگاهان پلیس با اشراف اطلاعاتی یک متهم را در نیشابور شناسایی و با اطمینان از ارتکاب سرقت‌های او، این فرد را با هماهنگی مقام قضایی دستگیر کردند.

متهم دستگیر شده در بازجویی‌های پلیسی ضمن اعتراف به جرم، همسند خود را در جرم به همراه یک مال خرد اموال مسروقه دستگیر کارآگاهان پلیس با در دست داشتن مستندات و سرخ از دیگر متهم این پرونده او را به همراه یک مال خرد اموال مسروقه دستگیر کردند. مأموران در بازرسی از مخفیگاه ۳ متهم به دام افتاده ۶ دستگاه تلويزيون لید، ۱ دی، یک دستگاه پرینتر رنگی، ۴۳۰ عدد دستک بازی، ۵ عدد صفحه کلید، ۴۱۱ عدد پايه دسته کنسول بازی و ۵۴۰ عدد حافظه، بانه، آکشیف و ضبط کرد.

به گفته رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی ارزش وسایل سرقتی کشف شده از متهمان ۸ میلیارد ریال برآورد شده است.

سهرنگ جواد شفیع زاد بیان کرد: کارآگاهان در ادامه تحقیقات خود دستگیره خودروی پیکان که متهمان از آن برای سرقت‌های خود استفاده می‌کردند را هم توقیف کردند. تاکنون ۲۰ شاکی در مشهد و نیشابور با مراجعه به پلیس آگاهی شکایات خودشان را علیه سارقان به داد افتاده تنظیم کرده‌اند. همچنان تحقیقات این پرونده همچنان ادامه دارد و متهمان نیز به دادسرا معرفی شده‌اند.

دستگیری یکی از متهمان جنایت در جاده امرغان

روز گذشته کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی پیرو دستور قاضی ویژه قتل دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، موفق به دستگیری یکی از متهمان پرونده جنایت در جاده امرغان شدند. پیگیری این پرونده با قتل مردی جوان با شلیک گلوله وینچستر چند شب پیش، آغاز شد. این جنایت ۳ مرد جوان با نشانند مقتول به این جاده، لباس‌های او را از تنش درآوردند و با شلیک گلوله به شمشک این فرد راه قتل رساندند. در تحقیقات ابتدایی یکی از واسطه‌ها که کشتن مقتول سر قرار نقش داشت، دستگیری شد و ۴ متهم این پرونده را معرفی کرد. قاضی احمدی‌نژاد با رسیدن به این سرخ‌مهم، کارآگاهان پلیس آگاهی را مأمور کرد تا متهمان را دستگیری کنند. روز گذشته یکی از ۴ نفر در این پرونده نقش داشت و در صحنه جنایت حاضر بود. دستگیری شد. تحقیقات این جوان که حدوداً سی‌ساله است، ادامه دارد. رسیدن و دستگیری این پرونده تا دستگیری ۲ متهم دیگر، ادامه دارد.

جایی برای مُردن سگ‌ها

(قسمت اول)

ایلیا موسایی

جعفر توی گرگ و میش برهوت که مثل بیابان مخشر نیمه تاریک بود، خواسته بود بخوابد چهار زانو نشست و تپوی خاکستری جوده شده از شاهانه شای شربید. یکباره از جا جهید و مثل جن بسیم... شنیدند از تپه خاکی سیاه سرازیر شد. مانند خیمه کم توانش از دمیایی به پا و کشان کشان از شبب خاک های تاریک روانه کرده بود. از این بالا سوله بزرگ با شیروانی فلزی را می دید که در ابتدای شب بیابان، تک و تنه او خالی می نمود.

ففس های سوله بزرگ را که مثل استخوانی متروکه بود دور زد. قطعات آهنی غول پیکر مثل ساه های تیره برگ در محوطه کوه نده بودند و این موقع زمانی بود که کم کم سگ های لاغر مردنی زردی گرفته از لایه لایه فلزهای رنگ زده جعفر، می خزه زدن تادر بیابان چیزی برای نمآوندن پیدا کنند. جعفر، که زنگنه یاری روی دی که با مهابشی سفید رنگی روشن می شد و هاله و روشنائی اش روی خاک های اطراف می ریخت. یک تلویزیون کوچک گوشه بالای دکه روشن بود. جعفر از نفس افتاده بوده و ریه هایش برای حرف زدن نا داشتند. با ماست و لگدنه در کوید. دو تنگهان واقعی از جا پریدن و با شتاب باتوم هایشان را بیرون کشیدند. ناگهان آمدند بیرون جعفر از خستگی روی زمین خیمه د. در روشنائی محوده که دستش را آورد بالا گفت: «یکی... داره نشو... آتش می رنه» نگهان ها هنوز گر خیده بودند و بدین جعفر فس قوسو خشکشان زد بود که بیشتر شبیه سگ های لاغری بود که توی قراضه های این می لوئند، توی صورت شان می شد تیش قلیشان را دید. هیچ کس چیزی نمی گفت تا آنکه یکی شان چراغ قوه روشن کرد و روی جعفر انداخت. ساق های کثیف جعفر از شلوار کوتاه ریزش پش شده با بیرون زد بود. بیشتر شبیه استخوان مانده مرغی بود که به دمیایی پلاستیکی چرک می سید. جعفر نالید: «اون پشت» هنوز نفس می زد. «پشت تپه» یکی از نگهان ها با پوتین محکم کوید توی تپهگاه استخوانی جعفر. «تو اینجا چسکار می کنی؟» جعفر به خودش پیچید و نفکشت بنم آمد. وسط نالیدنش یک «به...»... «...» می شنید که شده ای از خرانسان کشید. آن دومی چراغ قوه را خاموش کرد. آمد بالای سر جعفر که مثل تنک خورده با سستش را حائل صورتش کرده بود. آرام گفت: «از اینجا می روی و گرنه با می کشتم با می روی هلفدونی» و چنان سریع برگشتند توی دکه که جعفر فکر کرد شاید تنم آیم دردی که توی تاریکی می کشد وهم و خیال بوده و هنوز در دکه را نزده باشد و توی عالم خماری بودنودر با خط کرده. توی خاک غلتیدو بلند شد. آمد تودرت دنده هایش می خلید و کاملاً واقعی با انگشت چاقه بده شیشه زد. یکی از نگهان ها ایستاده بود و داشت شلوارش را درست می کرد. آن یکی پشت داده بود. یک لحظه برگشت و شوکر برقی را از پشت شیشه به سمت جعفر گرفت و با الهبش صادیی درآورد که از این طرف شیشه شنیده نمی شد. نگهان دیگر دست به کمر بلند کرد. مثل وقتی صادی تلویزیون قطع باشد با یگر یکی بی از خنده ریه سرد.

نگهان ها نشتندند به تماشای تلویزیون. جعفر یک باره سگ برداشت و با همان زور معنادی آپر ت کرد. شیشه طوری از هم پاشید که جعفر تفهید نگهان ها کی دستش را پیچاندند و صورتش را توی خاک فرو کردند و دماغ هم و کام خشکش پر شد از نیمه های تاریک خاک...

ادامه دارد...

تصادف زنجیره‌ای

در خیابان چهنو ۴ خودرو به شکل قطاری باهم تصادف کرده‌اند. بر ترتیب یک پراید سفید جلوتر از همه یک پژو ۴۰۵ پشت آن و یک پراید مشکی بعد از پژو در همین سبیل ماشین‌ها ایستاده بودند تا چراغ سبز شود در همین سبیل یک ماشین قرم‌های با سرعت به پراید مشکی بر خورد کرد و راننده نتوانست سیم‌های را کنترل کرد و پراید مشکی به پژو خورد و پژو به سبیل سفید را جلوتر زد. هر ۴ خودرو آسیب دیدند. راننده‌های حادثه به دلیل اختلاف نظر طبق معمول باهم گلاویز شدند. راننده سیم‌دی گفت که با پراید مشکی تصادف کرده و سبیل پژو به سبیل سیم‌دی وارد ندارد. راننده پژو ادعا می‌کرد که راننده سیم‌دی با سبیل خسارت همه ماشین‌ها را دیده. راننده پراید مشکی هم ادعا داشت در چنین تصادفی هر خودرو باید خسارت خود را جلوبری را دیده که باعث شده بود راننده پراید مشکی به شدت دلتخور شود.

خسارت ماشین‌ها به چه نحوی باید پرداخت شود؟

طرح: رضا جنگی

نویسنده بر خورد تمدن‌ها	واضع تئوری جرم سنگ ساختمانی	خشکی ماهر حرف مکرر	هزار کیلو آزاد صدمتر مربع	چاشنی سرخ ترویز آتش مختصر	حرف یونانی پسته کوهی مخفف اگر	واحد وزن شکم‌بند بخشیدن	اندیشمند اتحادیه کارگری
نگهبان خانه تمام‌کننده			انزبان			تن پوش میت باغ زیبایی بیر جندی	تو گوش از مواد نیروزا
پیشم از پیشم از	سوغات گجرات بت جاهلی	درون میوه تلفنی	قایل از مرکبات	مقابل نول رمق	چین سابق پرنده تنها	سودای ناله نشان معقول تکیه دادن	خمر بنبوه وینامین جدول
هر ۳۶۵ روز کشوری آفریقایی	سرزمینی آرژانتینی والیبالی	از باهتران طافچه بالا دانه معطر	از انواع حرکات زمین		گریزان	موزیان	

غفور راستین،
مدیر حوادث
و فوریت‌های
بزرگسکی
اصفهان:
ایک دستگاه
کامیون با
۳ دستگاه
خودروی
سوار حامل
اتباع خارجی
در جاده نطنز
به اصفهان
برخورد کرد.
در اثر این
حادثه یک
مرد سی ساله
که از اتباع
خارجی بود
از خود را
از دست داد
۷ نفر دیگر
نیز مصدوم
شدند.